

ایمان نمی آورید مگر آنکه یکدیگر را دوست بدانید...

در اهمیت، ضرورت و آثار نیکی به دیگران

- ❑ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آن خدایی که جانم به دست اوست که داخل بهشت نمی شوید مگر آنکه ایمان بیاورید، و ایمان نمی آورید مگر آنکه یکدیگر را دوست داشته باشید. (آثارالصادقین، ج ۳، ص ۵۶)
- ❑ پیامبر اکرم(ص): از بهترین اعمال در نزد خدا، خنک کردن جگرهای سوخته و سیر کردن شکمهای گرسنه است. سوگند به آن کس که جان محمد به دست اوست، به من ایمان نیاورده است آن بنده‌ای که سیر بخوابد و برادر (یا همسایه) مسلمانش گرسنه باشد. (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۳۰۴)
- ❑ سوره بلد، ۱۸-۱۰: و هر دو راه [خیر و شر] را بدو [انسان] نمودیم؛ * و [الی] نخواست از گردنه بالا رود! * و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ * بنده‌ای را آزاد کردن، * یا در روز گرسنگی، طعام دادن؛ * به یتیمی خویشاوند، * یا بینوایی خاک‌نشین. * و آنگاه از زمره‌ی کسانی بودن که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و به مهربانی سفارش کرده‌اند؛ * اینانند خجستگان.
- ❑ سوره فجر، ۲۰-۱۷: ولی نه، بلکه یتیم را نمی‌نوازد؛ * و بر خوراک [دادن] بینوا یکدیگر را بر نمی‌انگیزد؛ * و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می‌خورد؛ * و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار.
- ❑ سوره همزه، ۳-۲: مالی گرد آورد و برشمرده؛ * پندارد که مالش او را جاویدان کرده است.
- ❑ سوره شعراء، ۱۲۹-۱۲۸: آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید؟ * و کاخ‌های استوار می‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانند؟
- ❑ سوره لیل ۱۱-۵: اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت، * و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، * زودا که راهش را به سوی خیر و آسانی هموار کنیم. * و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید، * و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، * زودا که راهش را به سوی شر و دشواری هموار کنیم. * و چون هلاک شد، [دیگر] مال او به کارش نمی‌آید.
- ❑ سوره تکوثر، ۲-۱: تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت، * تا کارتان به گورستان رسید.
- ❑ سوره سبأ، ۳۴: و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم.»
- ❑ سوره یس، ۴۷: و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده‌اند، به آنان که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «آیا کسی را خوراک دهیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی را می‌خورانید؟ شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید.»
- ❑ سوره حاقه، ۳۶-۳۳: او به خدای بزرگ نمی‌گروید * و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد، * پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست * و خوراکی جز چرکابه [دوزخ] ندارد.
- ❑ سوره مدثر، ۴۷-۴۲: [اهل بهشت، از مجرمان می‌پرسند:] «چه چیز شما را در آتش [= سَقَر] درآورد؟» * گویند: «از نمازگزاران نبودیم، * و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، * و با بیهوده‌گویان بیهوده‌گویی می‌کردیم، * و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، * تا مرگ ما در رسید [...].»
- ❑ سوره معارج، ۲۵-۱۷: [آتش] هر آن کس را که پشت کرده و روی برتافته، * و [مالی] گرد آورده و انباشته، فرا می‌خواند. * به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. * چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. * و چون خیری به او رسد بخل ورزد. * غیر از نمازگزاران: * همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند؛ * و همانان که در اموالشان حقی معلوم است، * برای سائل و محروم.
- ❑ سوره ماعون، ۷-۱: آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌انگارد، شناختی؟ * این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند، * و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند. * پس وای بر نمازگزاران، * آنان که از نمازشان غافلند، * آنان که ریا می‌کنند، * و از [دادن] ماعون [وسایل و مایحتاج خانه] باز می‌دارند.
- ❑ سوره هود، ۸۷: [مشرکان] گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟»
- ❑ امام صادق(ع): خداوند تبارک و تعالی فرموده است: من نماز کسی را می‌پذیرم که در برابر عظمت من فروتن باشد، به خاطر من نفس خود را از شهوت‌ها باز دارد، روزش را با یاد من سپری کند، بر آفریدگان من بزرگی نفرشد، گرسنه را غذا دهد، برهنه را بپوشاند، به مصیبت دیده رحم کند و غریب را جای دهد [...]. (میزان‌الحکمه، ۱۰۷۷۹)
- ❑ از پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی این فراز از قرآن که «وای بر مشرکان! آنان که زکات نمی‌پردازند و آنان که به آخرت نابلورند» [سوره فصلت، ۷-۶] پرسش شد، فرمود: خدا مشرکان را مورد عتاب قرار نمی‌دهد، [بلکه مقصود مسلمانان ظاهری هستند؛ مگر نشنیده‌ای این سخن خداوند را که: «پس وای بر نمازگزاران، آنان که از نمازشان غافلند، آنان که ریا می‌کنند، و از [دادن] ماعون خودداری می‌ورزند» [سوره ماعون، ۷-۴]؟ بدانید که ماعون، همان زکات است. [سپس فرمود:] سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هیچ کس در چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نمی‌کند، مگر آن که مشرک به خدا باشد. (میزان‌الحکمه، ۷۷۸۰)
- ❑ مردی نزد پیامبر(ص) آمد و پرسید: «آیا در اموال حقی جز زکات وجود دارد؟» پیامبر(ص) فرمود: «مسلمان باید هرگاه گرسنه‌ای از او غذا بخواهد غذایش دهد و هرگاه برهنه‌ای از او لباس خواهد وی را بپوشاند.» آن مرد گفت: «بیم آن می‌رود که دروغ بگوید.» پیامبر(ص) فرمود: «آیا بیم آن نمی‌رود که راست بگوید؟» (میزان‌الحکمه، ۸۳۲۸)
- ❑ شخصی نزد امام صادق(ع) آمد و از ایشان پرسید: «زکات واجب مال جقدر است؟» فرمود: «مقصودت زکات ظاهری است یا باطنی؟» عرض کرد: «هر دو.» فرمود: «زکات ظاهری در هر هزار درهم بیست و پنج درهم واجب است و زکات باطنی این است که وقتی برادرت به چیزی نیازمندتر از تو بود، او را بر خود ترجیح دهی.» (میزان‌الحکمه، ۷۷۹۲)

- پیامبر اکرم (ص): هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از ایشان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ۹۰۰۰)
- ابوذر، پیش از آنکه توسط عثمان تبعید شود، در مورد شیوهی تقسیم بیت‌المال و خرج اموال، به او اعتراض فراوان می‌کرد. در یکی از مواردی که ابوذر اعتراض خود را آشکار ساخت، عثمان به کعب‌الاحبار، که عالمی یهودی و تازه مسلمان بود، روی کرد و پرسید: «ای ابواسحاق! چه می‌گویی درباره مردی که زکات واجب مال خود را پرداخته است؛ آیا باز بر او واجب است مقدار دیگری بدهد؟» گفت: «نه، حتی اگر خشتی از طلا و خشتی از نقره روی هم نهد، چیزی بر او واجب نیست.» ابوذر با خشم به او پاسخ داد: «...! تو را چه رسد که درباره احکام مسلمانان نظر بدهی؟ سخن خدا از گفته تو درست‌تر است که فرموده: کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده [سوره توبه، ۳۴].» (ترجمه الحیاة، ج ۴، ص ۲۱۶)
- سوره توبه، ۳۵-۳۴: و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده؛ * روزی که آن گنجینه‌ها را در آتش دوزخ بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت ایشان را با آن‌ها داغ بگذارند [و گویند]: «این همان است که برای خودتان اندوخته بودید، پس [طعم] اندوخته‌هایتان را بچشید.»
- امام صادق (ع): مال، چهار هزار [درهم] است؛ دوازده هزار درهم، گنج است؛ بیست هزار [درهم] از حلال جمع نمی‌شود؛ صاحب سی هزار [درهم] در راه هلاکت است، و آن کس که مالک صد هزار درهم باشد، از شیعیان ما نیست. (تحف‌العقول، کلمات قصار امام صادق (ع)، ۱۶۷)
- امام صادق (ع): اگر مردم از راهی که خداوند به آنان فرمان داده است کسب درآمد کنند، اما آن [درآمد] را در راهی که خداوند از آن بازمان داشته است انفاق نمایند، آن را از ایشان نمی‌پذیرد. همچنین اگر از راهی که ایشان را از آن نهی کرده است کسب درآمد کنند، اما آن [درآمد] را در راهی که خداوند بدان فرمانشان داده است به مصرف رسانند، باز از آنان نمی‌پذیرد؛ بلکه تنها از آنان می‌پذیرد که از راه حلال به دست آورند و در راه حلال انفاق کنند. (میزان‌الحکمه، ۲۰۷۰۷)
- نزد امام حسین (ع) نام مردی از بنی‌امیه را بردند که صدقه‌ی زیادی داده است. امام (ع) فرمود: «مَثَل او مانند کسی است که از حاجیان راهزنی کند، و از آنچه ربوده صدقه دهد. بی‌گمان صدقه‌ی پاکیزه، صدقه‌ی کسی است که در راه به دست آوردن آنچه صدقه می‌دهد، بر پیشانی او عرق نشسته و چهره‌ی او غبار گرفته باشد.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین (ع)، ج ۱، ص ۴۰۳)
- امام علی (ع): خداوند سبحان، فراهم آوردن قوت و روزی فقیران را از اموال ثروتمندان واجب کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر اینکه توانگری مانع [رسیدن روزی] او شود، و خدای متعال در این باره ایشان را مؤاخذه خواهد کرد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۸)
- امام علی (ع): خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر سیر خواری ستمگر و گرسنگی مظلوم سکوت نکنند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)
- امام علی (ع): در هر کجا که خواهی به مردم نظری بیفکن، آیا جز درویشی می‌بینی که از فقر رنج می‌برد، یا توانگری که بر اثر ناسپاسی نعمت‌های خداوند را از خود زائل می‌کند، یا بخیلی که برای افزودن بر مالش از پرداختن حق خدا بخل می‌ورزد؟ (میزان‌الحکمه، ۲۰۴۹۰)
- امام حسین (ع) [در خطبه‌ای که در سرزمین منا ایراد نمودند]: خداوند می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.» [سوره‌ی توبه، ۷۱]. خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب آغاز کرد، زیرا می‌دانست که اگر این [فرضیه] ادا شود و بر پا گردد، همه‌ی فرائض، از آسان و دشوار، بر پا می‌شوند؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است، به همراه باز گرداندن حقوق ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر و تقسیم [اعادانه] ثروت‌های عمومی و غنایم و گرفتن زکات از جای خود و صرف آن در مواردی که باید.
- [...] کوران و گنگان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده‌اند و به آن‌ها ترحمی نمی‌شود. [با این حال]، شما به کاری که شایسته‌تان است بر نمی‌خیزید و دیگران را نیز در این راه مدد نمی‌رسانید و با مسامحه و سازش با ظالمان خود را آسوده می‌دارید. این همه، از جمله چیزهایی است که خدا شما را بدان فرمان داده است.
- [...] [شما] ناتوانان را به دست ایشان [= ستمگران] تسلیم کردید که یا همچون برده مقهور باشند و یا همچون مستضعفی برای اداره امور زندگی، [در دست ایشان] اسیر. در کشورداری به اندیشه خود هر چه می‌خواهند می‌کنند و در اقتدای به اشرار و گستاخی نسبت به خدای جبار، با پیروی هوای نفس، کار را به رسوایی می‌کشاند. بر منبر هر شهر از شهرهای ایشان خطیبی است که بانگ برمی‌دارد و آنچه می‌خواهد می‌گوید. کشور در برابر ایشان بی‌معارض است و دست‌های ایشان در آن گشاده. مردم بردگان آنانند و دست [ستمی] که به ایشان ضربه زند را از خود نرانند. آنانی که برخی زورگو و ستیزه‌جویند، و برخی بر ناتوانان سلطه‌گر و تندخویند، اطاعت‌شوندگانی که [خدای] آغازگر [خلقت] و بازگرداننده [به قیامت] را نمی‌شناسند. (تحف‌العقول، باب سخنان امام حسین (ع))
- امام کاظم (ع): هر کس از راه حلال برای خود و خانواده‌اش روزی فراهم آورد، همچون مجاهد در راه خدای عزوجل است؛ و اگر از عهده [این کار] بر نیاید، قوت عیال خود را از بیت‌المال وام گیرد؛ و اگر بمیرد و آن وام را ادا نکرده باشد، بر امام است که آن را ادا کند و اگر این کار را نکند بار [مسئولیت] آن بر او است. خدای عزوجل فرموده است: «صدقات [=زکات]، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و دلجویی شدگان، و [استفاده] در [اراه آزادی] بردگان، و وامداران، و [هزینه] در راه خدا، و به در راه مانده اختصاص دارد» [سوره توبه، ۶۰]، و آنکه هزینه زندگی ندارد فقیر و بینوا و وامدار است. (ترجمه الحیاة، ج ۲، ص ۵۵۶)
- پیرمرد نابینایی از راهی می‌گذشت و از مردمان پولی طلب می‌کرد. امام علی (ع) [او را دید و] پرسید: «این چیست؟!» گفتند: «ای امیرمؤمنان، مردی نصرانی است.» فرمود: «او را به کار گرفتید تا زمانی که پیر و عاجز شد، سپس [ارهایش] کردید و [به او چیزی ندادید؟] از بیت‌المال به او خرجی بدهید.» (ترجمه الحیاة، ج ۶، ص ۴۵۳)
- پیامبر اکرم (ص): خداوند در روز قیامت به مردم آبادی‌ای که در آن کسی شب را گرسنه به روز رسانده نگاه نمی‌کند. (ترجمه الحیاة، ج ۴، ص ۵۴۷)
- امام صادق (ع): مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادرش این است که اگر برادرش گرسنه باشد سیر نخورد و اگر برادرش تشنه باشد سیراب نشود و هرگاه برادرش جامه ندارد، جامه [زیادی] نپوشد، پس حق مسلمان بر برادر مسلمان حق بزرگی است! (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۱۴۱)

- پیامبر اکرم(ص): حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر، حکایت پیکر [آدمی] است، که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضای بدن با شب نخوابیدن و تبادار شدن با آن همدردی می‌کنند. (میزان‌الحکمه، ۱۸۵۸۶)
- امام صادق(ع): باید که مسلمانان در رفت و آمد با هم، و احسان کردن به هم، و مواسات [=یاری کردن و انصاف ورزیدن] با نیازمندان، و مهربان بودن با یکدیگر تلاش کنند، تا چنان باشند که خدای بزرگ به شما فرمان داده است: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» [مؤمنان] با یکدیگر مهربانند [سوره‌ی فتح، ۲۹]. با مهربانی با هم زندگی کنید، و اگر از نیازمندی و گرفتاری دیگران مطلع نشدید او در آن باره کاری نکردید، متأسف باشید، چنانکه «انصار» در روزگار رسول خدا(ص) چنین بودند. (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۱۴۰)
- پیامبر اکرم(ص): همه با هم غذا بخورید که برکت با جماعت است. (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۳۱۷)
- امام علی(ع) [در سفارشی به کمیل بن زیاد نخعی]: ای کمیل! [...] خوراک را با دیگری بخور و بر این کار بخیل مباش، روزی هیچ‌کس را تو نمی‌دهی، اما خدا با این کار مزد فراوان به تو خواهد داد. (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۳۲۱)
- پیامبر اکرم(ص): غذا چون چهار خصلت را داشته باشد، تمام و کامل است: از راه حلال به دست آمده باشد، دست‌های فراوانی به سوی آن دراز شود، با نام خداوند متعال شروع شود، با حمد و شکر او پایان پذیرد. (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۳۱۷)
- سوره بقره، ۲۶۸: شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وا می‌دارد و خداوند از جانب خود به شما وعده‌ی آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند گشایشگر داناست.
- شخصی نزد امام حسین(ع) گفت: «اگر نیکی به نا اهل برسد، تباه می‌شود.» امام حسین(ع) فرمود: «چنین نیست، بلکه نیکوکاری همچون بارانی تند است که به نیک و بد می‌رسد.» (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۲، ص ۱۴۷)
- هرگاه امام رضا(ع) غذا می‌خورد، برایش ظرف بزرگی می‌آوردند و کنار سفره می‌گذاشتند. حضرت از بهترین غذاهایی که آورده بودند مقداری بر می‌داشت و در آن ظرف می‌گذاشت و می‌گفت که آن را به مستمندان بدهند؛ آنگاه این آیه را تلاوت می‌کرد: «نخواست از گردنه بالا رود» [سوره بلد، ۱۱؛ آیات بعدی این‌ها هستند: و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ بنده‌ای را آزاد کردن، یا در روز گرسنگی، طعام دادن؛ به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک‌نشین]. سپس می‌فرمود: «خداوند عز و جل می‌داندست که همه مردم توانایی آزاد کردن بنده را ندارد، از این رو راهی [دیگر هم] برای رسیدن به بهشت برای آنان قرار داد.» (میزان‌الحکمه، ۲۰۶۹۳)
- عبدالله بن صلت، از مردی از اهل بلخ روایت می‌کند که گفت: با [امام] رضا(ع) در سفرش به خراسان همراه بودم، یک روز مردمان را به مهمانی دعوت کرد، و آن‌ها را با خدمتگزاران، از سیاهان و جز ایشان، همه را بر سر یک سفره نشانید. من گفتم: «فدایت شوم! بهتر نبود سفره‌ی اینان را جدا می‌کردید؟» فرمود: «خاموش! که پروردگار - تبارک و تعالی - یکی است، و مادر یکی، و پدر یکی؛ و پاداش طبق کردارهاست.» (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۲۰۰)
- پیامبر اکرم(ص): بدترین غذا، غذای ولیمه [ای] است [که] افراد سیر به آن دعوت می‌شوند و گرسنگان از آن منع می‌گردند. (میزان‌الحکمه، ۱۱۲۶۱)
- امام علی(ع) [خطاب به عثمان بن حنیف انصاری، کارگزار وی در بصره]: به من خبر رسیده است که مردی از جوانان بصره تو را به مهمانی‌ای خوانده است و تو بدانجا شتافته‌ای. خوردنی‌های نیکو برایت آورده‌اند و پی در پی کاسه‌ها پیشت نهاده. گمان نمی‌کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان به جفا رانده است و بی‌نیازشان خوانده. بنگر کجایی و از آن سفره چه برمی‌گیری.
- [...] و من نفس خود را با پرهیزگاری می‌پرورانم تا در روزی که پُربیم‌ترین روزهاست در امان آمدن تواند، و بر کرانه‌های لغزشگاه پایدار ماند. و اگر خواستمی دانستمی چگونه عسل پالوده و مغز گندم، و بافتی ابریشم را به کار برم. لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید، و حرص مرا به گزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. چه بود که در حجاز یا یمامه کسی حسرت گرفته نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد، و من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته، و جگرهایی سوخته. یا چنان باشم که گوینده سروده: «درد تو این بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت جگرهایی بود در آرزوی پوست بزغاله». (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)
- امام علی(ع) [در سفارش به فرزندش حسن(ع) نوشت]: بدان که تو راهی دور و دراز و پر مشقت در پیش داری و در پیمودن این راه از عمل پسندیده و توشه‌ای چندان که تو را سبکبار به منزل رساند بی‌نیاز نیستی. پس بیش از توانت بر پشت خود بار منه که سنگینی آن تو را بیازارد و هرگاه نیازمندی یافتی که توشه‌ی تو را تا روز قیامت بر دوش کشد و فردا که به آن نیاز داری آن را به تو تحویل دهد، وجود او را غنیمت دان و بار خویش را بر دوش او بیه و تا جایی که می‌توانی او را بار کن؛ زیرا چه بسا که او را دگر باره بجویی و نیایی؛ و نیز وجود کسی را که در روزگار توانگریت از تو وام خواست غنیمت بدان تا در روز تنگ‌دستیت [=قیامت] آن را به تو پس دهد. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)
- شخصی نزد امام کاظم(ع) آمد و از امام حسن(ع) نقل کرد که در برآوردن حاجت سائلی چنین فرموده که «گام برداشتن در راه رفع حاجت مؤمن تا بدانجا که آن حاجت روا شود، از اعتکاف دو ماه متوالی در مسجدالحرام در حالی که روزه داری بهتر است.» امام کاظم(ع) فرمود: «[چنین است]، و از اعتکاف همه‌ی عمر نیز بهتر است.» (مسند امام کاظم(ع)، ج ۱، ص ۴۷۲)
- امام صادق(ع): بدان که هر کس در راه طاعت خدا خرج نکند، به خرج کردن در راه معصیت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفع نیاز دوست خدا قدم برندارد، در راه رفع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. (میزان‌الحکمه، ۲۰۶۹۶)
- امام کاظم(ع): بپرهیز از بخل ورزیدن [به چیزی که] در راه طاعت خدا [می‌توانی صرف کرد]، که [الاجرم] دوچندان آن را در معصیت خدا هدر خواهی داد. (مسند امام کاظم(ع)، ج ۳، ص ۲۴۷)
- محمد بن عجلان می‌گوید: در نزد ابو عبدالله (امام صادق(ع)) بودم. مردی وارد شد و سلام کرد؛ پس [از جواب سلام]، امام از او پرسید: «حال برادرانت - در محل زندگیتان - چگونه است؟» آن مرد آنان را ستود و بسیار ستایش کرد. امام فرمود: «خیر رساندن ثروتمندانشان به فقیران چگونه است؟» گفت: «اندرک است.» فرمود: «رفتن ثروتمندان به دیدار فقیران چگونه است؟» گفت: «اندرک است.» فرمود: «کمک مالی مالداران به فقیران از چه قرار است؟» آن مرد گفت: «شما از اخلاق و آدابی می‌پرسید که در نزد ما کمتر یافت می‌شود.» امام فرمود: «پس آنان چگونه می‌پندارند که شیعه‌اند؟» (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۵، ص ۱۶۹)

□ سوره حدید، ۷: به خدا و پیامبر او ایمان آورید، و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانسپین کرده، انفاق کنید.

□ امام صادق(ع): آیا تصوّر می‌کنی که اگر خداوند به کسانی مالی داده است، بدین علت بوده که احترامی نزد او داشته‌اند، و اگر به کسانی مال نداده است، از آن روست که در نظرش قدر و منزلتی نداشته‌اند؟ نه! بلکه مال، مال خداست؛ و آن را در نزد برخی به امانت می‌گذارد، و بر آنان روا می‌دارد که از این مال با میان‌روی بخورند و بیاشامند و ببوشند و ازدواج کنند و از وسیله‌ی سواری بهره‌مند شوند، و آنچه می‌ماند را به فقرا می‌دهند، و نابسامانی زندگی آنان را به سامان آورند. پس هر کس چنین کند، آنچه می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، بر وی حلال است، و آنچه از این اندازه بگذرد بر وی حرام است. سپس امام این آیه را خواند: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» [سوره انعام، ۱۴۱] او فرمود: [آیا خیال می‌کنید که خدا مردی را بر مالی که به او عطا کرده است امین می‌داند، که برای خود اسبی به ده هزار درهم بخرد، با اینکه اسب بیست درهمی برای او بس است، ...] حال آنکه فرموده است: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد؟! (میزان‌الحکمه، ۱۹۴۹۴)

□ امام صادق(ع): اطعام مؤمنی را دوست‌تر از آن دارم که ده بنده آزاد کنم و ده حج به‌جای آورم. [اروی حدیث (نصر بن قابوس) می‌گوید: گفتیم: «ده بنده و ده حج؟» فرمود: ای نصر، اگر غذایی ندهی یا خواهی مرد، یا او را ناگزیر کرده‌اید که پیش دشمن برود و چیزی بخواهد؛ و مرگ برای او بهتر از خواستن چیزی از دشمن است. ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، چنان است که همه‌ی مردم را زنده کرده باشد. (ترجمه الحیاء، ج ۵، ص ۳۱۹)

□ امام صادق(ع): هر کس از اصحاب ما که یکی از برادرانش از او برای نیازی طلب یاری کند و او با تمام توان به این یاری دادن برخیزد، به خدا و رسول و مؤمنان خیانت کرده است. [اروی گوید: پرسیدم: «مقصودتان از مؤمنان چه کسانی‌اند؟» فرمود: از زمان امیرالمؤمنین تا آخر ایشان. (ترجمه الحیاء، ج ۴، ص ۴۶۶)

□ از یکی از یاران امام صادق(ع) به نام ابوهارون نقل شده که امام(ع) به من چنین فرمود: «ای ابوهارون! خدای متعال سوگند یاد کرده است که هیچ خیانتکاری به مقام قرب نرسد.» گفتیم: «خیانتکار کیست؟» فرمود: «آنکه حتی به اندازه‌ی یک درهم در رفع نیاز مؤمنی کوتاهی کند، یا چیزی از وسائل زندگی را در دسترس او قرار ندهد.» گفتیم: «پناه می‌برم به خدا از غضب خدا.» فرمود: «خداوند متعال سوگند یاد کرده است که سه دسته از مردم را به بهشت راه نهد: آنکه خدای بزرگ را قبول نداشته باشد، و آنکه پیشوای هدایت را قبول نداشته باشد، و آنکه حق شخص مؤمنی را باز دارد.» گفتیم: «باید از زیادی دارایی خود به او بدهد؟» فرمود: «جانش را باید [در راه برادر مؤمن] بدهد. اگر از جان خود در راه او دریغ ورزد با او یکدله نیست، بلکه خود دام شیطان است.» (ترجمه الحیاء، ج ۵، ص ۱۶۵)

□ امام علی(ع): هرگاه یکی از شما بداند که برادرش نیازمند است زحمت خواهش را از دوش او بردارد. (میزان‌الحکمه، ۳۰۸)

□ امام کاظم(ع): کار نیکی که برای مؤمنی انجام شود جز با سه چیز نیک به شمار نمی‌آید: کوچک شمردن آن، پنهان داشتن آن و شتاب ورزیدن در آن. (ترجمه الحیاء، ج ۶، ص ۷۵)

□ گوسفندی را ذبح کردند [و گوشت آن را انفاق کردند]. پیامبر(ص) فرمود: «چیزی مانده است؟» عرض شد: «به جز شانه‌اش چیزی باقی نمانده است.» پیامبر(ص) فرمود: «به جز شانه‌اش همه‌ی آن باقی مانده است.» (میزان‌الحکمه، ۲۰۶۸۵)

□ سوره عصر، ۳-۱: سوگند به عصر، * که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ * مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

□ [از امام صادق(ع) درباره‌ی آیه «هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است» [سوره مائده، ۳۲] سؤال شد، فرمود: یعنی او را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. [حضرت کمی سکوت کرد، سپس فرمود: مصداق بزرگ‌تر آن، این است که کسی را [به راهی راست] دعوت کند و او دعوتش را بپذیرد. (میزان‌الحکمه، ۲۱۱۶۰)

□ امام علی(ع) [در وصیت به حسن و حسین علیهماالسلام، هنگامی که ابن‌ملجم او را ضربت زد: [...]] شما و همه‌ی فرزندانم و کسانی و آن را که نامه‌ی من بدو رسد، سفارش می‌کنم به پروای خدا را داشتن و آراستن کارهایتان، و اصلاح بین خود، که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: «اصلاح کردن [رابطه] میان مردمان از همه‌ی نماز و روزه‌ها برتر است.» خدا را! خدا را! درباره‌ی یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده‌ی پیامبر شمایند، پیوسته درباره‌ی آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان اثری معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را! درباره‌ی قرآن، مبادا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن. [...]] و خدا را! خدا را! درباره‌ی جهاد در راه خدا به مال‌هاتان و به جان‌هاتان و زبان‌هاتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و بذل و بخشش به یکدیگر. مبادا از هم روی بگردانید، و پیوند هم را بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را و مگذارید که بدترین‌های شما حکمرانی شما را به دست گیرند، آن‌گاه دعا کنید و اجابت نگردد. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)

□ امام علی(ع): با برادری ورزیدن در راه خدا برادری به بار می‌نشیند. (میزان‌الحکمه، ۱۸۸)

□ سوره بقره، ۲۶۵: و مثل کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگیاری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگیاری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

□ سوره آل‌عمران، ۱۳۶-۱۳۳: و برای نیل به آموزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید، * همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد. * و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ - و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. * آنان، پاداششان آموزشی از جانب پروردگارشان، و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند، و پاداش اهل عمل چه نیکوست.

□ سوره لیل، ۲۱-۱۸: [...]] همان که مال خود را می‌دهد [برای آنکه] پاک شود، * و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن، نعمت نمی‌بخشد، * جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد]. * و قطعاً به زودی خشنود خواهد شد.

□ سوره محمد(ص)، ۳۸: اینک شما آن کسانی که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید. پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده. خداوند بی‌نیاز است و شما نیازمندید، و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.